

کودتا با چراغ خاموش

فاطمه خراسانی

اشاره:

در تمامی انقلاب‌های جهان، پس از اینکه به پیروزی رسیده‌اند، جریان برانداز نیز وجود داشته است؛ ولی هیچ انقلابی در دنیا به اندازه انقلاب اسلامی ایران، با جریان‌های برانداز درگیر نبوده است و این موضوع به دلیل ماهیت انقلاب ایران است که با ایجاد نوعی حکومت براساس اصل متری و ولایت مطلقه فقیه، راهی جدید به روی بسیاری از مردم دنیا گشوده است. این نوشتار بر آن است هر چند کوتاه، به بعضی از جریان‌های برانداز و راه‌های براندازی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بپردازد.



آژانس جاسوسی آمریکا (سیا) به کودتای نوزده در اوایل انقلاب امید زیادی بسته بود و آن را ضربه نهایی و قطعی بر پیکر نظام نوپای اسلامی می‌پنداشت و اهمیت آن را بیش از تجاوز نظامی صدام ارزیابی می‌کرد.

رفتند و یا از سیاست کنار کشیدند، در سال‌های ۴۲ - ۱۳۳۹ بعضی از افراد جبهه ملی، جبهه ملی دوم را احیا کردند، ولی رژیم شاه این حزب و هم چنین گروه‌های وابسته به این حزب مانند نهضت آزادی را غیر قانونی اعلام کرد. اعضای این حزب می‌کوشیدند با نزدیک کردن خود به بعضی از رهبران انقلاب در اوایل پیروزی انقلاب، از نتایج قیام مردم علیه رژیم منحوس پهلوی بهره‌برداری کنند، ولی چهره واقعی اعضای این حزب نیز بر مردم روشن شد و ارتباط آنان با بیگانگان مشخص گردید. دولت مردان آمریکا انکار نمی‌کنند که از نخستین روزهای تأسیس جمهوری اسلامی ایران، براندازی آن را به عنوان یک هدف استراتژیک در دستور کار خود داشته‌اند و بارها تأکید ورزیده‌اند که این هدف راهبردی با تغییر دولت‌ها در آمریکا و جابه‌جایی اولویت‌های سیاست خارجی این کشور، از دستور کار خارج نمی‌شود؛ چرا که درگیری ایران و آمریکا ریشه در ماهیت طرفین درگیر دارد.

از عمده‌ترین راه‌های براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، می‌توان به طراحی چند کودتا [مانند کودتای نوزده]، غائله آفرینی در مرزها، ایجاد آشوب و بلوا در شهرها، سازماندهی و به کارگیری گروه‌های تروریستی و حمایت مالی و تسلیحاتی از آن‌ها، محاصره اقتصادی، ترور شخصیت‌های برجسته و کلیدی نظام و انقلاب، تحمیل جنگ با تحریک و ترغیب عراق و حمایت آشکار و گسترده تسلیحاتی، سیاسی و اقتصادی از قوای مهاجم، محاصره نظامی ایران به حمایت از عراق، عملیات گسترده تبلیغی روانی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق راهاندازی ده‌ها رسانه صوتی و تصویری فارسی زبان، صدها روزنامه و هفته‌نامه و چاپ و انتشار ده‌ها هزار عنوان کتاب، سازماندهی و تدارک یک تهاجم فرهنگی همه‌جانبه با بهره‌گیری از عوامل نفوذی و حمایت مالی و تدارکاتی گسترده از آنان، اختصاص بودجه‌های هنگفت برای ترویج فساد و فحشا و آلودگی به مواد مخدر در میان جوانان، صرف هزینه‌های کلان برای گسترش فعالیت شبکه‌های جاسوسی در ایران و به وجود آوردن انقلاب مخملین اشاره کرد.^۶

کودتای یکی از ابتدایی‌ترین و خشن‌ترین شکل‌های توطئه است که طی سال‌های متمادی در کوره تجربه‌های مکرر موفق و ناموفق توسط استعمار راسست و چپ از موده شده است. تجربه کودتاها نشان می‌دهد که پیروزی در کودتا به سه عامل اصلی بستگی دارد:

۱. تمرکز و تراکم قدرت سیاسی نظامی و یا حداقل بخش قابل توجهی از قدرت در یک نقطه، به نحوی که بتوان با تصرف آن بر سراسر کشور مسلط شد.
۲. فقدان یک نیروی سیاسی اجتماعی نیرومند داخلی که توان خنثی کردن کودتا را داشته باشد.
۳. وجود اهرم‌های لازم نظامی سیاسی برای وارد کردن یک ضربه غافلگیرکننده، ناگهانی و قاطع به منظور تصرف قدرت سیاسی. روشن است که اگر عوامل اول و دوم در جامعه‌ای فراهم باشد، تدارک عامل سوم کار دشواری نخواهد بود. در جامعه انقلابی ایران، هیچ یک از سه شرط اساسی موفقیت کودتا موجود نبوده و نیست.

قبل از انقلاب، براندازی به معنی صف‌بندی نیروهای معترض به قانون‌شکنی هیئت حاکمه در برابر رژیم سلطنتی بود. این گروه‌ها مدعی بودند که رژیم، زبان قانون را نمی‌فهمد و باید آن را برانداخت. در روند بعد از انقلاب هم ما با نیروهایی مواجه بودیم که به حرکت براندازی علیه نظام جمهوری اسلامی دست زدند. اکثریت قریب به اتفاق نیروهای سیاسی که برخی از آن‌ها بعداً به خط‌مشی براندازی رسیدند، در اوایل انقلاب پذیرفته بودند که شخص امام، مقبولیت مردمی دارد و به واقع در رأس انقلاب است. این پذیرش، در اعلامیه‌ها و بیانیه‌های آن‌ها منعکس است. از آیت الله طالقانی گرفته تا هواداران دکتر شریعتی و نهضت آزادی، جنبش مسلمانان مبارز، سازمان مجاهدین (منافقین) به رهبری رجوی، سازمان چریک‌های فدایی، حزب توده، ... همگی به رهبری ایشان معترف بودند. چنان که مسعود رجوی خطاب به اشرف دهقانی، از رهبران گروه منشعبین از چریک‌های فدایی، می‌گوید: «تو نمی‌توانی با حاکمیت درگیر شوی، چون اگر آیت‌الله خمینی رحمته‌الله علیه لب تر کند، دو میلیون نفر به میدان می‌آیند.» در سال‌های اخیر، جمع‌بندی بسیاری از این گروه‌های خارج از کشور این بود که ما در ابتدای انقلاب به روی مردم اسلحه کشیدیم و حالا هم که توده‌ها بی‌سرپرست شده‌اند. بنابراین چه مواضع ابتدای انقلاب این گونه گروه‌ها را ملاک قرار دهیم و چه جمع‌بندی اخیر آن‌ها را، حداقل این نکته را می‌توان استنباط کرد که نتیجه حرکت‌های مسلحانه ابتدای انقلاب در دهه ۶۰، درگیر شدن با انقلاب و مردم بود.^۱

در بررسی بحث براندازی، باید بدانیم یک کشور قدرتمند چرا به جان یک کشور ضعیف می‌افتد؟ معمولاً به دلیل تحمیل عقیده و مرام، یا به انگیزه افزایش قدرت خود یا دستیابی به منابع ارزشمند آن کشور ضعیف و کنترل آن. ترکیبی از سه عامل یاد شده، موجب شده تا ایالات متحده تریبی اتخاذ کند که بتواند قلمرو خود را در طول قرن اخیر گسترش دهد و این موضوع هنوز هم ادامه دارد.^۲ آمریکا در طول سال‌های گذشته سعی کرده است که حکومت‌های موجود در ۲۰ کشور دنیا را تغییر داده و یا ساقط کند. در بین نام این کشورها به کوبا، پورتوریکو، نیکاراگوئه، ایران، کره شمالی، شیلی، پاناما، گرجستان، افغانستان، عراق و ... برمی‌خوریم.^۳ از آنجا که در لابه‌لای بحث گاهی صحبت از بعضی از گروه‌های سیاسی اوایل انقلاب می‌شود، در اینجا نگاهی مختصر به تاریخچه دو حزب از احزاب قبل از انقلاب داریم که در جریان براندازی نظام جمهوری اسلامی نیز نقش فعالی داشته‌اند.

۱. **احزاب توده:** گرچه حزب توده [پس از سال ۱۳۳۲] به زندگی خود ادامه داد، ولی پس از کودتای آن سال، قدرت این حزب بسیار کاهش یافت و در اواخر ۱۳۲۰ تنها شبحی از آن حزب باقی بود که دلایلی مانند ضربه‌های سخت نیروهای امنیتی، جنگ روانی رژیم شاه علیه این حزب، دگرگونی‌های اجتماعی و مرگ رهبران حزب، در این کاهش قدرت مؤثر بود.

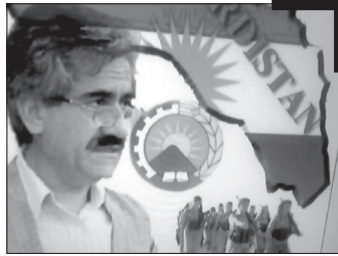
۲. **جبهه ملی:** بیشتر رهبران جبهه ملی که در شهریور ۱۳۳۲ دستگیر شده بودند، در سال ۱۳۳۳ آزاد شدند. هرچند بیشتر آنان از ایران



حج خونین، مرداد ۱۳۶۶



تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان انقلابی



مصطفی هجری دبیر کل حزب دمکرات کردستان

و به ورشکستگی و کناره‌گیری جناح لیبرالی انجامید که توانسته بود اهرم‌های دستگاه دولتی نظام نوپای برخاسته از انقلاب را به دست گیرد. این جناح علی‌رغم آرمان‌ها و خواسته‌های رهبری انقلاب و امت انقلابی، سازش با غرب را، در حد تسلیم بی‌قید و شرط به آمریکا و تمکین در برابر خواسته‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نظام پوسیده و فاسد گذشته در پیش گرفته بود. در مرداد ۱۳۶۶ یکی از خونین‌ترین توطئه‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی به اجرا درآمد؛ فاجعه مکه. در این رخداد، راهپیمایی برائت از مشرکین حجاج بیت‌الله الحرام به خاک و خون کشیده شد و ۴۰۰ زائر خانه خدا که بسیاری از آن‌ها زنان بودند، به شهادت رسیدند. پس از فاجعه مکه، استراتژی

تهاجم فرهنگی
سیاسی آمریکا علیه

کودتا یکی از ابتدایی‌ترین و خشن‌ترین شکل‌های توطئه است که طی سال‌های متممادی در کوره تجربه‌های مکرر موفق و ناموفق توسط استعمار راست و چپ آرموده شده است.

جمهوری اسلامی
ایران، برنامه‌ریزی
و برای اجرا به
واحدهای عملیاتی
داخل و خارج
کشور سپرده شد.

خط جدید نفاق که «براندازی از درون» را از طریق ابزارهای ویژه جنگ روانی پی‌گیری می‌کردند، از ماه‌های نخستین سال ۱۳۳۸، بعد از ارتحال حضرت امام خمینی ره با به راه انداختن جنگ سرد گسترده‌ای، با هدف تغییر «محیط» سیاسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و «تخریب»

انسجام اجتماعی
و وحدت ملی
کوشیدند از یک
سو با «تهی» کردن
ساختار سیاسی نظام
از صفات انقلابی به

از ابتدای سال ۱۳۷۵ م‌ه‌ا ایران به عنوان یک پایه از استراتژی جدید براندازی (م‌ه‌ا، نفوذ، استحاله)، در دستور کار شیطان بزرگ قرار گرفت

فروپاشی انقلاب اسلامی دست یابند، از دیگر سو، با استحاله «درون ساختاری» نظام جمهوری اسلامی، فروپاشی سیستم ولایت فقیه را به انتظار بنشینند؛ پروژه‌ای که بعد از طی «دوران جنینی» سال‌های ۶۸ تا ۷۵ به «دوران بلوغ» خود پای گذارد و در این دوران بود که با ارائه پروژه «اصلاحات آمریکایی» تلاش کرد که به نوعی اصلاحات انقلابی و اسلامی را دور بزند و با اشغال اکثر جایگاه‌های رکن چهارم دموکراسی (رسانه‌ها - نهادهای مدنی) اجرای گام به گام آن را به آزمایش بگذارد.^{۱۰}

از ابتدای سال ۱۳۷۵ م‌ه‌ا ایران به عنوان یک پایه از استراتژی جدید براندازی (م‌ه‌ا، نفوذ، استحاله)، در دستور کار شیطان بزرگ قرار گرفت؛ پروژه‌ای که با تشدید تحریم اقتصادی، جلوگیری از تجارت اتحادیه اروپا با ایران، خرابکاری و جنگ سرد برای سرکوب و تضعیف انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران به دنبال براندازی از درون می‌گشت و این جز با استحاله قدرت نظام جمهوری

حضور میلیونی مردم در صحنه که نه تنها یک انبوهه بی‌تحرك و فاقد گرایش و پویای اجتماعی نیستند، بلکه یک نیروی قدرتمند و تعیین‌کننده اجتماعی به شمار می‌روند؛ عامل اصلی در خنثی کردن هرگونه طرح کودتایی در ایران اسلامی است.^۷

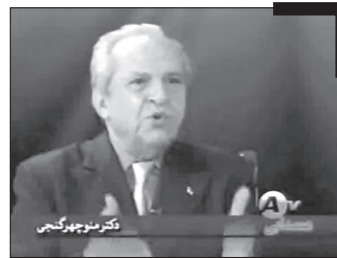
اژانس جاسوسی آمریکا (سیا) به کودتای نوژه در اوایل انقلاب امید زیادی بسته بود و آن را ضربه نهایی و قطعی بر پیکر نظام نوپای اسلامی می‌پنداشت و اهمیت آن را بیش از تجاوز نظامی صدام ارزیابی می‌کرد. این کودتا از لحاظ تجهیزات نظامی که قرار بود از داخل و خارج در جریان آن به کار گرفته شود، در تاریخ کودتاهای جهان بی‌سابقه بود و چنان دقیق طرح‌ریزی شده بود، که حتی اعلامیه پیروزی آن نیز آماده شده بود ولی چنان که می‌دانیم این کودتا به نتیجه نرسید.^۸

در اوایل جنگ، حزب منحل توده کوشید تا اهرم‌های براندازی خود را به طور افقی گسترده سازد. رهنمودهای مخفی «حزب» دال بر عضویت وسیع اعضا و هواداران در نهادهای مردمی و به ویژه گروه‌های مقاومت در آغاز جنگ تحمیلی از مسئولان جمهوری اسلامی درخواست کرد تا دفاع از یک منطقه مشخص در جبهه به او سپرده شود و کلیه امکانات انسانی و مادی و تسلیحاتی دفاع با خود او خواهد بود و طبیعی بود که مسئولان با این درخواست مخالفت کرده و نسبت به حرکات آن‌ها حساس شدند. این حزب در چارچوب گروهک موفق شد تا در رأس نیروی دریایی جمهوری اسلامی و در برخی پست‌های نیروی زمینی، مهره‌های خود را به کار برد. این حزب، حمایت اتحاد جماهیر شوروی را یک عامل مهم در موفقیت سریع خود ارزیابی می‌کرد، ولی این حزب نیز در فعالیت‌های ابتدای انقلاب خود راه به جایی نبرد و البته به فعالیت‌های خرابکارانه خود ادامه داد.^۹

با اوج‌گیری انقلاب اسلامی، انواع طرح‌های تجزیه‌طلبانه توسط استراتژیست‌های «سیا» و «کا.گ.ب» مورد بررسی قرار گرفت و به عنوان ال‌ترناتیوهای گوناگون برای شرایط مختلف برنامه‌ریزی و تدارک مقدماتی شد. این توطئه‌ها، اکثر استان‌های مرزی و حاشیه‌ای کشور را در بر می‌گرفت؛ از ترکمن صحرا تا کردستان و از خوزستان تا بلوچستان. پس از پیروزی انقلاب گروهک‌های آمریکایی و روسی، فعالیت خرابکارانه خود را در کردستان آغاز کردند. حزب دموکرات کردستان، پادگان‌های مهاباد و پاوه و پیرانشهر را تصرف کرد و در پی آن گروهک انارشستی کوموله و سازمان چریک‌های فدایی خلق، در صحنه سیاسی کردستان ظهور کردند.

پس از آن استیکبار جهانی پرده دیگری از توطئه را به صحنه آورد؛ تروریسم کور. حربه ترور در چنان مقیاس وسیعی علیه انقلاب به کار گرفته شد که در جهان همانند و نظیر نداشت. دومین دور تروریسم کور، پس از شکست توطئه بنی‌صدر، منافقین و سرکوب بلوای ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ آغاز شد. با اشغال لانه جاسوسی آمریکا در ایران، توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، به حیثیت جهانی شیطان بزرگ ضربه شدید و بی‌سابقه‌ای وارد شد

برای آشنایی با انقلاب‌های مخملین، باید با نام جورج سوروس و اقدامات او آشنا شد



منوچهر گنجی، وزیر آموزش و پرورش در دوران پهلوی جورج سوروس

سناریوهای طراحی شده ضد انقلاب خارج کشور و سازمان سیا را در عرصه رسانه‌های مکتوب به نمایش گذاردند که برخی از آنها عبارتند از:

۱. شبهه‌افکنی درباره دین و عقیده مردم ۲. بمباران احکام شریعت
۳. حمله به اصل ولایت فقیه ۴. حمله به نهاد روحانیت ۵. ایدئولوژی‌زدایی^{۱۶}

در این میان، برخی از گروهک‌های ورشکسته سیاسی مانند نهضت آزادی نیز سعی کردند از اوضاع زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی سوء استفاده کرده و تفکرات نادرست خود را از طریق بعضی از سازمان‌ها و احزاب در کشور گسترش دهند، در حالی که فراموش نمی‌کنیم امام خمینی ره در نامه معروف‌شان به وزیر کشور وقت، صلاحیت دخالت نهضت آزادی را به کلی در امور دولتی و قانون‌گذاری و قضایی رد کرده و خواستار برخورد قاطعانه با این گروهک غیر قانونی شده بود.^{۱۷}

از آخرین راه‌های براندازی می‌توان به «پروژه نافرمانی مدنی» که به انقلاب‌های مخملین منتهی می‌شود اشاره کرد. نشریه ضد انقلابی «نیم روز» در تشریح یکی از آخرین ابعاد «براندازی خاموش»، به نقل از منوچهر گنجی می‌گوید: «نافرمانی مدنی از طریق استفاده از حربه روانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی... انجام می‌گیرد... این مبارزات شامل انواع اعتراض‌ها، نافرمانی‌های و عدم همکاری‌ها، تحریم‌ها، کم‌کاری‌ها، اعتصاب‌ها و به کار گرفتن انواع دیگر موارد است. تجربیات ما نشان می‌دهند که انواع مختلف راهکارهای نافرمانی مدنی بالغ بر ۲۰۰ مورد مختلف می‌شود که از عملیات اعتراض آمیز و قانع‌کننده شروع شده و به انواع عدم همکاری‌ها، مداخلات... مانند تسخیر محل... یا تحریم و دست زدن به اعتصاب غذا و اعتصابات عمومی و... ختم می‌شود.»^{۱۸}

نافرمانی مدنی، نهایتاً منجر به پروژه انقلاب‌های مخملین می‌شود که برای آشنایی با انقلاب‌های مخملین، باید با نام جورج سوروس و اقدامات او آشنا شد. نام این میلیارد آمریکایی، امروز به دلیل ایفای نقش او در انقلاب‌های مخملین در کشورهای مختلف بر سر زبان‌ها افتاده است. هر چند وی ادعای مخالفان و منتقدانش را قبول ندارد و این تحولات را نتیجه مسائل داخلی کشورها و نیز توسعه ارتباطات جهانی می‌داند، ولی شواهد حکایت از برنامه‌ای مدون از سوی غرب به رهبری آمریکا دارد. براساس این برنامه، در دنیای کنونی نمی‌توان از طریق انقلاب‌های خشن و مسلحانه، مخالفان سیستم سرمایه‌داری را از پای درآورد؛ بلکه این کار باید از طریق مسالمت‌آمیز انجام شود. در این راستا آنچه بیش از همه جلب توجه می‌نماید، نقش سازمان‌های غیردولتی و به خصوص مؤسسات وابسته به بنیاد جامعه جورج سوروس در ناآرامی‌های موسوم به انقلاب‌های مخملین است که با کمک‌های فکری و مالی خود به مخالفان دولت‌ها، موجبات سرنگونی آنها را فراهم می‌نمایند. در این رابطه با توجه به نقش آفرینی سازمان‌های مذکور در ایجاد انقلاب‌های مذکور در جمهوری‌های گرجستان، اوکراین، قرقیزستان، ناآرامی‌های ازبکستان

اسلامی ایران امکان‌پذیر نبود. این استراتژی با عنوان «تهدید و تطمیع» توسط «آنتونی لیک» مشاور سابق کلبیتون فاش شد. همچنین واشنگتن می‌بایست در ابتدا الگوی بازی گروه‌های اپوزیسیون خارج و داخل کشور را برای نقش آفرینی در این فرایند تغییر می‌داد و چنین نیز کرد. یکی از کارهای این گروه‌ها، داشتن پایگاه در داخل کشور بود. در همین زمان بود که چپ‌های آمریکایی به تعبیر حضرت امام به تمام، رخ نمودند و به عنوان جریانی از حزب توده، در خارج کشور انشعاب کرده و به جریان سیاسی علی‌امینی^{۱۱} نزدیک شدند و یکپارچه، تحت خدمت پروژه «نفوذ استحاله از درون» سیا قرار گرفتند. محسن حیدریان یکی از اعضای مشاور کمیته مرکزی حزب توده، با انتشار جزوه‌ای حاوی مذاکرات پلنوم بیستم کمیته مرکزی حزب، علناً انشعاب چپ‌های آمریکایی از حزب توده را اعلام نمود و به همین علت عضویتش به حالت تعلیق درآمد. در این جزوه به نقل از علی فدایی، عضو کمیته مرکزی حزب توده، راهکارهای اجرایی پروژه استحاله از درون از طریق تهاجم فرهنگی سیاسی، تشریح شده بود. در بخشی از این جزوه آمده است: «سیاست ما باید تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری و ولایت فقیه باشد؛ یعنی تلاش برای جلب نیروهایی که جمهوری اسلامی را می‌خواهند، ولی ولایت فقیه را نمی‌خواهند.»^{۱۲}

در آغاز دهه ۷۰، تندبادهای تهاجم فرهنگی دشمن در جامعه ایران وزیدن گرفت و از خلأهای موجود در عرصه فرهنگ کشور استفاده شد و سینما، تئاتر، کتاب‌ها و تاحدودی مطبوعات را تحت تأثیر قرار داد.^{۱۳} از طرفی دیگر دولت آمریکا سعی می‌کند با نفوذ عوامل مورد نظر خود به بطن قدرت جمهوری اسلامی ایران و حذف نظارت شورای نگهبان، پروژه براندازی را دنبال کند.^{۱۴}

در جریان برگزاری انتخابات مجلس پنجم در سال ۱۳۷۵، رادیو صدای آمریکا در این باره فاش کرده بود: «انتخابات آینده ایران هنگامی معنی پیدا خواهد کرد که مردم ایران بتوانند بین ولایت فقیه و حذف آن، یکی را برگزینند.» و بدین گونه بود که غلام عباسی توسلی از وابستگان به نهضت آزادی نیز تصریح کرده بود که: «ما در این دوره به طور گسترده و غیر علنی فعال خواهیم بود. ما به طور رسمی مشخص نخواهیم کرد که کاندیداهای ما چه کسانی هستند، اما به صورت خصوصی، دوستان و هواداران را در جریان قرار خواهیم داد و به این ترتیب شورای نگهبان متوجه وابستگی کاندیداهای غیر مطرح ما نخواهد شد.»

یکی دیگر از ابعاد تهاجم فرهنگی سیاسی نیز از طریق نشریه‌ها و روزنامه‌ها انجام می‌شود تا باینش مردم تغییر کند. بر این اساس بود که راهبران تهاجم فرهنگی سیاسی، علاوه بر روش‌های دیگر، با تشکیل بنیادهای به ظاهر فرهنگی در خارج کشور مثل بنیادهای «ایرانیکا»، «محو»، «کیان»، «سیرا»، «مسا»، «بوعلی» و «پر» به فعالیت پرداختند و با طیف‌های مختلف داخل ارتباط برقرار کردند و از آنها حمایت مالی، معنوی و سیاسی نمودند.^{۱۵} از سوی دیگر، مدافعان اصلاحات آمریکایی، در مطبوعات زنجیره‌ای،

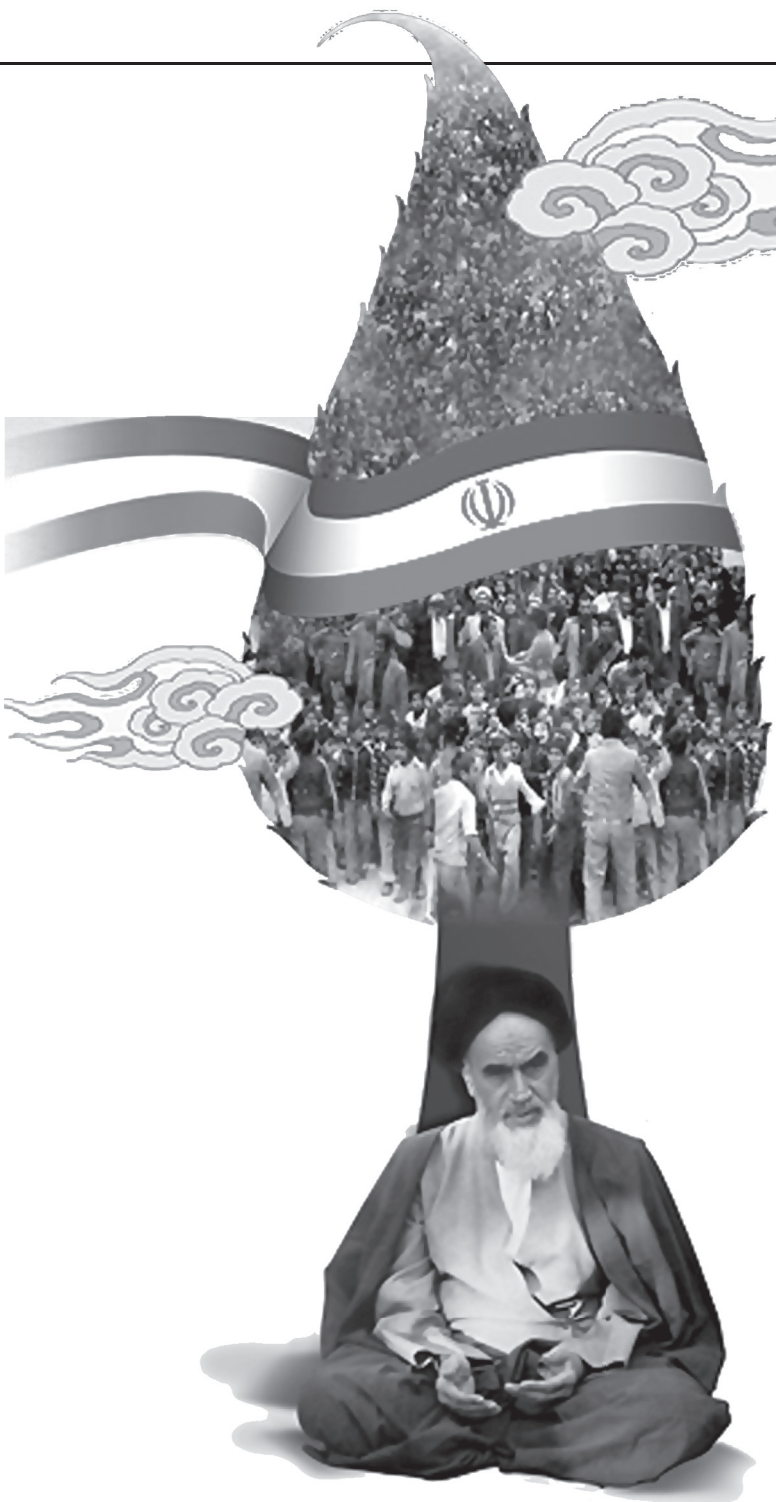
در جزوه حزب توده آمده است: «سیاست ما باید تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری و ولایت فقیه باشد؛ یعنی تلاش برای جلب نیروهایی که جمهوری اسلامی را می‌خواهند، ولی ولایت فقیه را نمی‌خواهند.»

و حتی بحث از وقوع ناآرامی‌ها تحت عنوان سدر در لبنان، برخی از دولت‌مردان کشورهای منطقه همچون روسیه و تاجیکستان و ... نیز نسبت به فعالیت‌های سازمان‌های غربی و وقوع انقلاب‌های مخملی در کشورشان به شدت نگران و هراسان شده‌اند.^{۱۹}

با این پیش‌زمینه می‌توان به بررسی این پدیده در ایران پرداخت. جمهوری اسلامی ایران نیز از این اقدامات و تلاش‌ها برای ایجاد انقلاب‌های رنگی به کنار نبوده است. برای نخستین بار تهدید به انقلاب مخملی در ایران، از سوی برخی جناح‌ها مطرح شد و این طرح زمانی مورد توجه قرار گرفت که گرجستان تازه تحولات شبه انقلابی خود را پشت سر گذاشته بود و طراحان آن در ایران، از این پروژه به عنوان «گرجستانیزه» کردن انتخابات یاد می‌کردند. اقداماتی چون تحصن و استعفای دسته‌جمعی برخی نمایندگان و مدیران که با واکنش سریع رئیس مجلس وقت و رئیس جمهور سابق مواجه شد؛ در همین راستا صورت پذیرفت. اما بی‌اعتنایی بدنه اجتماعی و ناآگاهی این جناح‌ها از ظرفیت اجتماعی خود، موجب شد اعتنایی از سوی جامعه به این اقدامات رخ ندهد. این در حالی بود که رسانه‌های حامی جناح‌های مذکور امپراتوری رسانه‌ای غرب، تمام تلاش خود را برای تقویت پروژه به کار می‌بستند. اجرایی کردن این پروژه، برای انتخابات ریاست جمهوری نهم نیز در دستور کار قرار گرفت، اما دوباره با شکست مواجه شد.

مورد دیگر افشای پروژه دلتا که اخیراً از جانب کمیته خطر کنونی و به قلم «مارک پالمِر» طراحی شده، مؤید تلاش‌های پنهان واشنگتن به منظور براندازی نرم و کنترلی حکومت در ایران است. مطابق این پروژه، واشنگتن باید بکوشد به هر شکل ممکن با ایران رابطه سیاسی برقرار کرده و خود را از داشتن سفارت‌خانه در تهران منظور پایگاه فرماندهی و بسیج نیروهای مخالف حکومت در تهران جهت براندازی نرم حکومت، برخوردار نماید. همچنین مطابق این طرح، باید رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور تقویت شده تا این رسانه‌ها نقش مکمل را در کنار سفارت آمریکا به منظور انحلال حکومت در تهران بر عهده بگیرند که افزایش برنامه‌های فارسی‌زبان صدای آمریکا از ۳۰ دقیقه به چهار ساعت، در همین رابطه توجیه می‌شود.

به تازگی در میان برخی محافل آمریکایی، شیوه تازه‌ای برای براندازی جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از مدل اوکراین پیشنهاد شده است. در اوکراین، پس از دو هفته تظاهرات هواداران، یوشنکو نامزد مخالفان حکومت که با فشار و پشتیبانی شدید رسانه‌های غربی نظیر «بی.بی.سی» و «سی.ان.ان» همراهی می‌شد، خواهان ابطال انتخابات شد که در نتیجه انتخابات باطل و در انتخابات تازه، یوشنکو به پیروزی رسید.^{۲۰} نظیر همین برنامه پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری در ایران پیاده شد، ولی با هوشیاری رهبری و اطاعت مردم از ولایت فقیه به نتیجه نرسید. اخیراً روزنامه فایننشال تایمز در مقاله‌ای تحت عنوان «نومحافظه‌کاران آمریکایی توجه‌شان را به



زیرساخت‌های قدرت در جمهوری اسلامی براساس طراحی اولیه امام علیه السلام به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی و خبرگان و نخبگان ملت بسیار خردمندانده مهندسی شده است. ولی دشمن سعی می‌کند با طرح مباحثی چهار چرخ قدرت نظام جمهوری اسلامی را هدف بگیرد.

یک نظام باید چشم، گوش و مغز آن به گونه‌ای کار کند که دقیقاً ادراک نماید، در درون و برون آن چه می‌گذرد. امروز «ارتباطات» به معنای دقیق علمی آن، یکی از ارکان هر نظام محسوب می‌شود و بالاخره چرخ آخر این ماشین «محاسبات» است. اگر یک نظام در طراحی‌های خود به فکر «محاسبه» نباشد، عملاً پرچم عدالت را پایین کشیده است. زیرساخت‌های قدرت در جمهوری اسلامی براساس طراحی اولیه امام علیه السلام به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی و خبرگان و نخبگان ملت بسیار خردمندانده مهندسی شده است، ولی دشمن سعی می‌کند با طرح مباحثی مانند این مسائل که ۱. اسلام پاسخ‌گویی مسایل جدید نیست ۲. فقه موجود آمادگی حل مسایل تازه را ندارد ۳. دین و دموکراسی با هم نمی‌خواند و از جمهوری اسلامی جز استبداد در نمی‌آید ۴. شیعه و دموکراسی سازش‌ناپذیرند و ... چهار چرخ قدرت نظام جمهوری اسلامی را هدف بگیرد. [ولی واقعیت این است] نظامی که امام علیه السلام طراحی کرده است [و رهبر معظم انقلاب نیز ادامه دهنده راه ایشان می‌باشند]، نیرومندتر از آن است که با پروژه‌های ارتباطی سیا آسیب ببیند، اما بی‌اعتنایی ضریب آسیب‌پذیری ما را افزایش می‌دهد. در برخورد با دشمن چهار چرخ نظام باید با هم حرکت کند. اگر دشمن بتواند در این امر اخلال کند، آسیب‌های جدی خواهد بود.^{۲۲}

پی‌نوشت‌ها:

۱. میثمی؛ برانداز کیست؟ براندازی چیست؟؛ صص ۱۳ و ۱۲.
۲. کینز، استیون؛ براندازی، یک قرن تغییر حکومت‌ها به دست آمریکا از هاوایی تا عراق، مترجم فیض‌الله توحیدی؛ صص ۲۷.
۳. پیشین، فهرست مطالب کتاب.
۴. آبراهامیان، براوند؛ ایران بین دو انقلاب، مترجمان احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی و لیلایی؛ تلخیص از صفحات ۵۵۴ الی ۵۷۰.
۵. قمری وفا، مرتضی؛ براندازی در سکوت؛ صص ۱۱.
۶. پیشین، صص ۱۲.
۷. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی؛ کودتای نوزدهم در دهه نخستین؛ صص ۶۷.
۸. پیشین، صص ۸۰.
۹. پیشین، صص ۶۳.
۱۰. قمری وفا؛ براندازی در سکوت؛ صص ۲۱ و ۲۲.
۱۱. نخست‌وزیر دوران ستم‌شاهی.
۱۲. پیشین، صص ۲۲.
۱۳. پیشین، صص ۲۸.
۱۴. پیشین، صص ۳۱.
۱۵. پیشین، صص ۳۳ تا ۴۳.
۱۶. پیشین، صص ۴۸ تا ۵۲.
۱۷. پیشین، صص ۶۸ و ۶۹.
۱۸. پیشین، صص ۳۴۲.
۱۹. جورج سوروس و انقلاب‌های مخملین؛ مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، معاونت پژوهش، چاپ نخست، ۱۳۸۵، نظارت و تدوین: دکتر میرقاسم مؤمنی.
۲۰. پیشین، صص ۴۹ تا ۵۱.
۲۱. پیشین، صص ۵۲ تا ۶۱.
۲۲. انبارلویی، محمدکاظم؛ براندازی خاموش؛ صص ۴۴۲ تا ۴۴۶.

سمت ایران معطوف کرده‌اند»، نوشت: «گروه جدیدی از اپوزیسیون ایرانی در مهاجرت که به وسیله بعضی از نومحافظه‌کاران و واشنگتن حمایت می‌شود، تحت عنوان «اتلاف برای دموکراسی در ایران» در قلب محافل انستیتوهای مجامع فکری تشکیل یافته‌اند که قرار است در مقابل دریافت پول از مالیات‌دهندگان آمریکایی، کار برای برقراری دموکراسی در ایران را جلو اندازند. «هدف گروه، برگزاری یک رفراندوم با این مضمون است که آیا می‌شود سلطنت را تحت اختیار رضا پهلوی پسر شاه مخلوع که هم اینک در ویرجینیا زندگی می‌کند احیا و برقرار ساخت؟» این روزنامه در ادامه گزارش خود می‌نویسد: «در کنگره آمریکا، طرح پیشنهادی «آزادی ایران و قانون حمایتی» که از طرف سناتور هاریک سانتورم و جان کورنن پیشنهاد و مورد حمایت قرار گرفته است، فراخوانی است به دولت آمریکا برای حمایت از «تغییر رژیم» در ایران. همچنین در این طرح افزایش کمک‌های مالی برای انتقال و گذار به یک حکومت دموکراتیک از طریق متحد کردن گروه‌های اپوزیسیون در نظر گرفته شده است.»

در ادامه این تلاش‌ها، به منظور ترغیب و گوی میان فرهنگ‌ها و ترویج استنباطی عمیق‌تر از خاورمیانه و به خصوص ایران، انجمن ناشران آمریکا (A.A.P) پیشنهاد کرده است که اگر یک ناشر آمریکایی آمادگی خود را برای ترجمه و نشر و ترویج آثار داستانی نویسندگان ایرانی اعلام نماید، حاضر است مبلغ ده هزار دلار به عنوان کمک در این کار سرمایه‌گذاری کند. این مبلغ، جزئی از یک اعانه پنجاه هزار دلاری است که مؤسسه جامعه باز به منظور ترویج دموکراسی و اصلاحاتی در جامعه مدنی در میان گذاشته است. کارشناسان سیاسی بر این باورند که در پس هر حرکت انقلابی تند و آرام مردمی، باید در جست‌وجوی دست‌های پنهان و منابع مالی حمایت‌کننده بود که در این رابطه می‌توان به مؤسسات وابسته به سوروس اشاره کرد که از طریق مؤسسات به اصطلاح خیریه و کمک‌های بشر دوستانه، نفوذی گسترده در بسیاری از کشورها داشته‌اند.^{۲۱}

مطالب فوق بخشی از توطئه‌هایی بود که می‌توان آن‌ها را در قالب انقلاب مخملی قرار داد و این‌گونه توطئه‌ها در بسیاری از کشورها و از جمله ایران برای براندازی آرام اجرا شده است. حال که بعضی از راه‌های براندازی مورد بررسی قرار گرفت، باید بدانیم شاخص‌های یک نظام نیرومند برای مقابله با این‌گونه امور چیست؟ عوامل «سازماندهی»، «اطلاعات»، «ارتباطات» و «محاسبات»؛ چهار چرخ ماشین قدرت یک نظام نیرومند را تشکیل می‌دهند. اینکه یک ملت سازمان و دولت خود را طوری سامان دهد که کمترین هزینه و بیشترین بازدهی را داشته باشد، اینکه یک ملت توفیق داشته باشد عناصر انسانی سازمان دولت را طوری بچیند که همخوانی، همگرایی و هماهنگی در همه زوایای آنان دیده شود، می‌تواند به نیرومندترین ساختار در سازمان دولت دست یابد، به گونه‌ای که اگر کوه‌ها از جای خود بجنبند، چنین دولتی حتی سر خم نکند. «اطلاعات» در جهان امروز رکن اصلی قدرت را تشکیل می‌دهد.